

یکشنبه 24 بهمن 10 ربیع الاول 13 فوریه

رحلت عبدالمطلب، جدّ پیامبر اسلام(ص) سال هشتم عام الفیل ...



رحلت عبدالمطلب، جدّ پیامبر اسلام(ص) سال هشتم عام الفیل

هاشم بن عبد مناف، که بنی هاشم به وی منسوب می‌باشند، روزی به قصد تجارت و بازرگانی از مکه معظمه، عازم سرزمین شام شد و در میان راه، وارد یثرب گردید و در خانه عمرو بن زید، از طایفه "بنی نجّار" و از بزرگان یثرب، فرود آمد و دخترش "سلمی" را برای خویش خواستگاری کرد. عمرو بن زید، به خاطر سیادت و بزرگی هاشم، درخواست وی را پذیرفت ولیکن با او شرط نمود که هرگاه خداوند متعال، فرزندی به هاشم و سلمی عنایت نماید، وی را به یثرب آورده و در آن جا بزرگ نماید.

هاشم، شرط عمرو بن زید را پذیرفت و با دخترش سلمی ازدواج کرد. وی در بازگشت از شام، سلمی را به همراه خود به مکه برد و چندی نگذشت که سلمی حامله شد و در رحم خود وجود جنینی را احساس کرد.

هاشم، پیش از وضع حمل سلمی، بار دیگر قصد سفر بازرگانی به شام نمود و در این سفر، سلمی را به همراه خویش به یثرب برد، تا بر اساس پیمانش، کودک او در آنجا متولد شود و خود به سوی شام حرکت کرد ولی هاشم، از این سفر برنگشت و بدون این که توفیق دیدار نوزاد خویش را داشته باشد، در "غزه" (که هم اکنون یکی از شهرهای بزرگ فلسطین است) وفات نمود.

سلمی دختر عمرو بن زید، در خانه پدرش وضع حمل کرد و فرزندی پسر به دنیا آورد و نامش را "عامر" نهاد، ولیکن چون در سر نوزادش موی سفیدی داشت، وی را " شبیه " گفتند.

سلمی، در تربیت وی تلاش فراوانی به عمل آورد و در تیزهوشی و زیرکی وی نقش ارزنده‌ای بر عهده گرفت. از آن سو، مطلب بن عبد مناف که سیادت و ریاست قریشیان مکه را بر عهده داشت و از وجود چنین فرزندی از برادرش هاشم باخبر شد، به سوی یثرب رفت و عامر را با خود به مکه برد و چون در تربیت فرزند برادرش عامر بسیار کوشید و همیشه این دو، با هم بودند، مکیان برادرزاده‌اش عامر را، عبدالمطلب لقب دادند.

پس از وفات مطلب، برادرزاده‌اش عبدالمطلب به سیادت و سروری قریش نایل آمد و منصب آبرسانی و پذیرایی از حاجیان را بر عهده گرفت.

وی، در آبادی مکه و پذیرایی از زایران خانه خدا و بالا بردن مقام و منزلت قریش، تلاش فراوان نمود. یکی از فعالیت‌های فراموش نشدنی وی، حفر چاه زمزم بود.

پیش از عبدالمطلب، "طایفه خزاعه" به مکه هجوم آورده و "طایفه جرهم" را شکست دادند و آنان را به کوچ اجباری به سرزمین یمن، وادار کردند. در این واقعه، چاه زمزم، این چشمه جوشان، به دست "عمرو بن حارث جرهمی" به هنگام فرار از مکه به سوی یمن، با خاک انباشته شد و چیزی از آن به جای نماند. تا این که سال‌های بعد، عبدالمطلب به رشد و کمال رسید و به یاری فرزندش حارث، اقدام به کندن چاه زمزم نمود و بار دیگر از آن، آب زلالی جاری ساخت و اشیای قیمتی و جواهرات به دست آمده از داخل آن را، صرف تجهیز و تزئین خانه خدا کرد و یا به خانه خدا هدیه نمود.

به هر روی، حفر مجدّد چاه زمزم، اعتبار و احترام عبدالمطلب را در نزد قریش و تمامی عرب‌ها دو چندان کرد.

وی، دارای ده فرزند پسر به نام‌های: حارث، زبیر، ابوطالب، حمزه، غیداق، ضرار، مقوم، ابولهب، عباس و عبدالله و شش دختر بود.

به هر روی، زمانی حضرت محمد(ص) از آمنه بنت وهب(س) متولد شد، عبدالمطلب زنده بود و به خاطر وفات عبدالله پدر حضرت

محمد(ص) پیش از تولد آن حضرت، وی قیمومیت حضرت محمد(ص) را بر عهده گرفت.

و تا زمانی که زنده بود، از او به نیکی مراقبت کرده و او را به زیبایی پرورش داد. روایت شده است که عبدالمطلب، نخستین کسی است که به " بداء " قائل شد و در قیامت با حسن پادشاهان و سیمای پیامبران مبعوث خواهد گردید.

عبدالمطلب هرگز قمار نکرد و بت‌ها را پرستش ننمود و بر دین حنیف ابراهیم(ع) پای بند و ملتزم بود و برای درک دین مبین اسلام و پیامبری حضرت محمد(ص)، چشم انتظاری می‌کشید.

ولی از عمر با برکت فرزند زاده‌اش حضرت محمد(ص) بیش از هشت بهار نگذشته بود، که اجل عبدالمطلب فرارسید و در دهم ربیع الاول سال هشتم عام الفیل (45 سال پیش از هجرت پیامبر) در مکه معظمه بدرود حیات گفت و در همین شهر به خاک سپرده شد.

روایت است، هنگامی که مرگ وی فرا رسید، فرزندش ابوطالب را طلبید و او را درباره حضرت محمد(ص) سفارش نمود و به وی تأکید کرد، که محمد(ص) را دوست داشته باشد و با زبان، مال و دست خویش، وی را یاری کند. زیرا به زودی او سپید و سرور قوم عرب خواهد شد. آن گاه دست ابوطالب را گرفت و با او در این باب، پیمان گرفت.

پس از این فرمود: مرگ بر من آسان شده است.

پس حضرت محمد(ص) را بر روی سینه خود گذاشت و گریست و به دختران خود دستور داد که برای او بگریند و مرثیه بخوانند، زیرا می‌خواست مرثیه آنان را پیش از مرگ خود بشنود. دختران وی، هریک در مرثیه او، قصیده‌ای گفتند و گریه و ناله کردند و عبدالمطلب پس از شنیدن آنها، به آرامی خاموش شد و روح پاکش به اعلا علین پرواز کرد.

بدین گونه، مهتر و سرور قریش در صد و بیست سالگی و در میان غم و اندوه بازماندگان، به ویژه در اندوه و گریه فرزندزاده خردسالش حضرت محمد(ص) جان به جان آفرینان تسلیم کرد.

ازدواج حضرت محمد(ص) با خدیجه کبری(س) سال 25 عام الفیل حضرت خدیجه، دختر خویلد بن اسد، پیش از ازدواج با رسول خدا(ص)، در آغاز با " عتیق بن عائذ " ازدواج کرد و از او دارای فرزندی به نام " جاریه " شد و پس از مرگ عتیق، با "ابوهاله بن منذر اسدی" ازدواج نمود و از او نیز دارای فرزندی به نام "هند بن ابی هاله" شد. پس از مرگ ابوهاله، خدیجه بنت خویلد از دارایی‌های خویش و دارایی‌های شوهران گذشته‌اش، اقدام به سرمایه‌گذاری تجاری و اقتصادی کرد و در این راه، دارایی‌های خود را به مضاربه داد و ثروت زیادی به دست آورد و از توانگران و ثروتمندان معروف عرب شد. آن چنان که نقل شد، تعداد هشتاد هزار شتر، کالاهای بازرگانی کاروان‌های او را جابجا می‌کردند.

بزرگان قریش و ثروتمندان عرب، تمایل زیادی به ازدواج با وی نمودند. از جمله، "عقبه بن الی معیط"، "ابوجهل" و "ابوسفیان" از وی خواستگاری نمودند، ولی وی، همه آنان را پاسخ منفی داد و دست ردّ به سینه شان زد و هیچ تمایلی به ازدواج دیگر از خود نشان نداد. اما از روزی که حضرت محمد(ص) با پیشنهاد عمویش حضرت ابوطالب(ع)، حاضر شد که با خدیجه بنت خویلد پیمانی بسته و از مقداری از دارایی‌های وی به شرط مضاربه تجارت کند، قضایا دگرگون شد و خدیجه برای ادامه زندگی خویش، راه دیگری برگزید. حضرت محمد(ص) با دارایی خدیجه و به همراه دو تن از غلامان وی، اقدام به سفر بازرگانی به سرزمین شام نمود و در این سفر، خرید و فروش خوبی به عمل آورد و سود فراوانی به دست آورد و همه آن‌ها را پس از بازگشت به مکه، تحویل خدیجه نمود و تنها به سهم خویش قناعت کرد.

خدیجه، که از امانت داری امین قریش و صفا و صمیمیت وی به وجد آمده و خوش رفتاری و خوش اخلاقی وی را از دو غلام خویش شنیده بود، مبهوت رفتار و کردار حضرت محمد(ص) گردید و عشق وی را در قلب خویش زنده کرد.

از آن سو، حضرت محمد(ص) به سنینی رسیده بود که می‌بایست ازدواج می‌کرد و عمویش "حضرت ابوطالب(ع)" و همسر عمویش "حضرت فاطمه بنت اسد(س)" در پی یافتن همسری شایسته برای او بودند.

خدیجه(س) که از تصمیم آنها با خبر شده بود "نفیسه دختر علیه" را به نزد پیامبر(ص) فرستاد و عشق و علاقه خویش نسبت به آن حضرت و آمادگی ازدواج با وی را ابراز نمود.

پیامبر اکرم(ص) با عمویش ابوطالب(ع) در این باره مشورت کرد و همگی از آن استقبال کردند.

بدین منظور، ابوطالب(ع) به همراه تعدادی از بزرگان بنی هاشم به نزد " خویلد بن اسد " و به روایتی نزد "ورقه بن نوفل " عموی خدیجه رفت و خدیجه را برای حضرت محمد(ص) خواستگاری کردند.

درخواست آنان از سوی خدیجه و عموبیش پذیرفته شد و عقد نکاح آن دو جاری شد و مهریه خدیجه، چهار صد دینار تعیین گردید که خود وی، آن را ضامن شد. بدین ترتیب در دهم ربیع الاول، سال 25 عام الفیل (28 سال پیش از هجرت) ازدواج آن دو بزرگوار برگزار شد.

خدیجه به هنگام ازدواج با رسول خدا(ص)، چهل ساله بود و پیامبر(ص)، بیست و پنج ساله. خدیجه کبری(س) در خانه پیامبر(ص) دارای شش فرزند شد که عبارتند از: قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه زهرا (سلام الله علیهم اجمعین) که تمام آنها، جز فاطمه زهرا(س) پیش از بعثت پیامبر(ص) به دنیا آمده بودند و تنها فاطمه(س) پس از بعثت به دنیا آمد و خیر کثیری برای عالمیان شد.

درگذشت « ابن قولویه « از بزرگان فقه و حدیث در سال 368 هجری قمری « ابن قولویه « از بزرگان فقه و حدیث در سال 368 هجری قمری در بغداد درگذشت. وی درمحضر بزرگانی چون شیخ کلینی و شیخ مفید شاگردی کرد و سرانجام خود در ردیف علمای فقه و حدیث قرار گرفت از تالیفات متعدد ابن قولویه کامل الزیاره را می توان نام برد.

درگذشت « راضی بالله « از خلفای عباسی در سال 329 هجری قمری « راضی بالله « از خلفای عباسی در سال 329 هجری قمری از دنیا رفت وی برخلاف دیگر خلفای خاندان عباسی خوش رفتار بود و اهل شعر و ادب بشمار می رفت اومی کوشید که رفتار ظالمانه پدران خود را جبران کند و بدین منظور فدک را به صاحبان اصلی آن یعنی اهل بیت بازگرداند.

درگذشت « آلب ارسلان « از حاکمان سلسله سلجوقی در سال 465 هجری قمری « آلب ارسلان « از حاکمان سلسله سلجوقی در سال 465 هجری قمری جان خود را از دست داد او بعد از مرگ پدر در سال 451 هجری قمری به حکومت بلخ دست یافت و سرانجام با یاری خواجه نظام الملک به سلطنت رسید آلب ارسلان بعد از تسلط بر اوضاع داخلی به توسعه قلمرو خویش پرداخت و تا ارمنستان و آسیای صغیر نیز پیش رفت و بعد از بند کشیدن رومانوس قیصر روم شرقی عازم بخارا و سمرقند شد او دراین زمان پس از عبور از رود جیحون کشته شد.

تولد استاد مهدی عربشاهی از نوادر هنر خوشنویسی و خطاطی در سال 1335 هجری شمسی استاد مهدی عربشاهی از نوادر هنر خوشنویسی و خطاطی در سال 1335 هجری شمسی در شهر ری متولد شد. عربشاهی از نوجوانی با جدیت بسیاریه یادگیری خوشنویسی پرداخت. استاد محمد صانعی خوانساری هنرمند نام آور خطاطی ایران او را با انجمن خوشنویسان آشنا ساخت و خود به تعلیم مهدی عربشاهی همت کرد. این هنرجوی مستعد مدتی هم از بزرگ استاد خط سید حسین میرخانی دقیق و هنر خط را آموخت. از استاد مهدی عربشاهی آثاری ارزشمند چون « دوبیتی های بابا طاهر « بجای مانده است.

برقراری آرامش نسبی در تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 هجری شمسی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال 1357 هجری شمسی دراین روز در تهران آرامش نسبی برقرار شد و نیروهای مردمی به پاسداری از نقاط حساس و مراکز مهم شهر پرداختند. همچنین چند تن از سران خائن و سرسپرده قوای شاه دستگیر و بازداشت شدند و فرودگاههای کشور برای جلوگیری از خروج عوامل رژیم طاغوت به مدت 24 ساعت تعطیل اعلام شد. دیگر حادثه مهم این روز، اقدام کارکنان نیروهای سه گانه ارتش مبنی بر اعلام همبستگی مجدد با مردم بود که در تهران و دیگر شهرهای کشور همزمان انجام گرفت.

بازگشت ژنرال گاردان به فرانسه پس از پایان مأموریت در ایران در سال 1809 میلادی ژنرال گاردان افسر فرانسوی و رئیس هیئت اعزامی ناپلئون بناپارت در عهد فتحعلیشاه قاجار در پایان مأموریت خود در سال 1809 میلادی به فرانسه بازگشت. ناپلئون برای مقابله با انگلستان و ایجاد ضعف و بی ثباتی در مستعمرات آن کشور درصدد بود تا از طریق ایران به هندوستان راه یابد. از این رو با اعزام هیئتی به ایران روزهایی برای نفوذ به مستعمرات انگلستان گشود. مأموریت این هیئت 24 نفره با شکست مواجه شد اما نظامی در سپاه ایران بوجود آورد و قشون ایران استفاده توپ و تفنگ را به شیوه اروپائیان آموخت. با اقدام ناپلئون مبنی بر لغو قرارداد فین کن اِشتاین این هیئت تا چاربه فرانسه مراجعت کرد و ایران برای مقابله با روسیه به انگلستان روی آورد.

قتل پاتریس لومومبا نخست وزیر جمهوری کنگو در سال 1961 میلادی پاتریس لومومبا نخست وزیر جمهوری کنگو و انقلابی مشهور سرزمین افریقا در سال 1961 میلادی به قتل رسید. او در سال 1959 میلادی به عضویت دائم کنفرانس مرم سراسر افریقا و ریاست نهضت ملی کنگو انتخاب شد. لومومبا پس از برقراری جمهوری دمکراتیک کنگو به

نخست وزیري و وزارت دفاع منصوب گردید. در سپتامبر سال 1960 میلادی با شورش نظامیان کنگو، و ورود نظامیان بلژیکی به این کشور، کاسا و بو رئیس جمهور کنگو لومومبا را از مقام خود برکنار کرد و در پی این حادثه اغتشاشات داخلی کشور را فرا گرفت. سرانجام لومومبا در سال 1961 میلادی در زندان کاتانگا به قتل رسید. مشهورترین اثر بجای مانده از لومومبا کتابی به نام ««سرزمین من کنگوست»